

نواسخ

نواسخ جمع ناسخ و ناسخ به معنی از بین برنده است. نواسخ کلماتی هستند که بر سر ابتدا و خبر می آیند و اعراب یکی از آن دو را تغییر می دهند و عبارتند از :

۱) افعال ناقصه :

كان (بود) لیسَ (نیست) صارَ (شد) أصبح (گشت، گردید) ظلَّ (ماند)
مادامَ / مازالَ (پیوسته بود)

افعال ناقصه برسر یک جمله‌ی اسمیه، یعنی برسر مبتدا و خبر می‌آیند. مبتدا را مرفوع نگه داشته و خبر را منصوب می‌کنند. به مبتدا در این حالت، اسم افعال ناقصه و به خبر، خبر افعال ناقصه می‌گویند. اصطلاحاً می‌گویند: افعال ناقصه رافع اسم‌اند و ناصب در خبر.

التلميذُ جالسٌ. (دانش آموز نشسته است)

مبتداً خبر مفرد

ومرفوع ظ ومرفوع ظ

كان التلميذُ جالساً. (دانش آموز نشسته بود)

فعل اسم كان خبر كان

ناقصه مرفوع ظ منصوب ظ

نکته ۱) افعال ناقصه را به این جهت ناقصه خوانده‌اند که با آمدن یک اسم بعد از آن‌ها، معنی آن‌ها تمام نمی‌شود و ناقص می‌ماند و احتیاج به خبر نیز دارند. برخلاف افعال تامّه که معنی آنها با فاعل تمام می‌شود: « کَانَ عَلِيٌّ ... » ؟ معنی نمی‌دهد اما « جَاءَ عَلِيٌّ. » معنی می‌دهد.

نکته ۲) افعال ناقصه هیچ‌گاه فاعل نمی‌گیرند بلکه به جای فاعل « اسم » می‌گیرند. بنابراین همان‌گونه که فاعل در عربی بر سه قسم است، اسم افعال ناقصه نیز بر سه قسم است.

اسم افعال ناقصه :

- ۱- اسم ظاهر : کان علیٰ عالماً. علی: اسم کان (اسم ظاهر) (علی دانا بود)
- ۲- ضمیر بارز : کانوا عالمین. فعل ناقصه واسم ضمیر بارز واو (آنها دانا بودند)
- ۳- ضمیر مستتر : کُن عالماً. فعل ناقصه واسم ضمیر مستتر انت (دانا باش)

نکته ۳) در صرف ۱۴ صیغهی فعل ماضی و مضارع تمام ضمایی که قبلاً آن ها را به عنوان ضمیر فاعلی در نظر می گرفتیم در فعلهای ناقصه به عنوان « اسم افعال ناقصه » آنها را در نظر می گیریم :

ذَهَبَا (الف : فاعل) کانا (الف : اسم کان)

نکته ۴) اسم افعال ناقصه و خبر آن باید از لحاظ جنسیت و عدد با هم مطابقت کنند.

کانت التلميذات صامتات. دانش آموزان دختر ساکت بودند.

فعل اسم کان خبر کان منصوب بالكسر (جمع مونث)

ناقصه مرفوع ظاهراً (جمع مونث)